

و استحصال موجبات سلامت و سعادت مملکت، مساعی جمیله به کار برده، بعون الله تعالی از میامن توجهات حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه، بلایای جور و نفاق، بهمزایای^۱ شور و اتفاق، مرتفع و بساط انقلاب و اختلاف، بهاساس عدل و رفاہ مبدل گردد علی هذا مطابق نظامنامه انتخابات که عنقریب منتشر خواهد شد، باید درغرة رجب المرجب ۱۳۲۷، نمایندگان ملت منتخب شده، هرچه زودتر در طهران حاضر شوند که ان شاء الله تعالی، درتهیه اسباب ترقی و سعادت مملکت، ساعی و جاہد باشند. (محمد علی شاه قاجار) صحه

حسب الامر اعلی حضرت قدر قدرت شهریاری، ارواحفاداه، حق طبع

محفوظ رئیس مطبوعه شاهنشاهی، عبدالله قاجار

روز پنجشنبه ۱۵ ربیع الثانی [۱۳۲۷] - امروز عصر در منزل جناب حاج جلال الممالک رفتیم. آقا میرزا عبدالطلب آنجا آمد. مذکور شد: قاسم آقا صاحب منصب قزاق که فاتح مجلس بود، در قزوین پس از استنطاق، به دار آویخته و گلوله باران شده است. زمان مراجعت محمودخان، خویش سردار معتضد را که رئیس اردوی قم است، ملاقات نموده، گفت: برادر زن من، تلگراف کرده است که آنچه داشتم از ما گرفتند. و برادر زن محمودخان با سردار معتضد رفته است.

کاغذی از مجد الاسلام آمد که نوشته بود: کار خوانین محکم است و عازم طهران می باشند، من هم با اردو می آیم.

شبنامه به اسم شکوفه عصر نشر شده است. چون نمره اول آن را یافتیم، لذا در این تاریخ باید درج شود و در جزو نوشتجات است.

روز جمعه ۱۶ ع ۲ [۱۳۲۷] - امروز اهل شهر، خوشحال و در اضطراب می باشند. عده [ای] سوار از ورامین وارد شده است. عده ای هم روانه قزوین که در کرج سنگربندی و جلوگیری نمایند. درباغ شاه، سوار و پیاده و جمعیت بسیاری جمع شده است. فرمانفرما رفته است شمیران، برای سنگربندی. جمعی هم از دور شاه پاشیدند.

طرف عصر با جناب آقا یحیی، رفتیم دیدن خانه مجد الاسلام. وقت مراجعت، نصره الدوله را دیدیم در کالسکه، پیاده شد و تعارفی کرد. باز هم دست از استبداد بر نمی دارند. میرزا محمودخان، ندیم او، قدری به کنایه بد حرفی، و بنده هم به بی اعتنائی گذرانیدم. آقا یحیی گفت: می گویند ناصر الدوله ملحق شده است به طایفه بختیاری. گفت از کی شنیدید؟ گفت از ناظم الاسلام. بنده از این کار آقا یحیی که خیلی سستی کرد و مطلب محرمانه که به او گفتم، بی اذن^۲ راوی آن به او گفت.

روز شنبه ۱۷ ع ۲ [۱۳۲۷] - امروز پنج عراده توپ، روانه قزوین نمودند.

میرزا اسمعیل خان آجودان باشی (۱) توپخانه ، داوطلبانه از اعلیحضرت استدعانمود اورا به جنگ بفرستند ، ودوستان تومان هم به او دادند که برود . مجدالدوله در مجلس گفته است : هزار نفر از سوارهای بختیاری ، ملحق شده اند به اردوی دولت . ونیز سردار معتضد تلگراف کرده است ، اگر معجلاً پول به من برسد ، می توانم خودرا نگهداری و اردو را نگاهدارم ، والا کار از کار گذشته است . امروز هفتصد نفر از سوارهای بختیاری وارد قم شده اند ومشهور است متولی باشی را کشته اند .

يك فوج عرب ، امروز روانه قزوین شدند . قزاقهایی که رفته بودند کرج فرار کردند .

امروز جمعی زخمی را از کرج آوردند به شهر طهران . شاهزاده مدیر توپخانه که رفته بود آذربایجان ، امروز وارد شد ، به توسط مجدالدوله رفت حضور شاه . می گویند خیلی مطالب به شاه عرض کرده است وشاه اظهار ندامت واینکه نوکر خوب ندارم، مطالب دوام قبل را ، امروز به من اطلاع می دهند .

روز یکشنبه ۱۸ ربیع الثانی [۱۳۲۷] - امروز فرمانفرما ، وزیر داخله ؛ ومستوفی الممالک ، وزیر جنگ ؛ [و] سعدالدوله که وزیر امور خارجه بود وعزل شده بود ، بر حسب امرار سفراء ، وزیر خارجه ؛ و رئیس الوزراء ناصرالمملك که غایب است و در ممالک خارجه است ، وزیر مالیه ؛ ومشیرالدوله ، وزیر عدلیه ؛ [و] مؤتمن المملك ، وزیر علوم شده است .

مردم بوی آزادی را شنیده اند . شوری در آنها پیدا شده است ، ولی جرات ظاهر شدن در مجامع را ندارند .

روز دوشنبه ۱۹ ربیع الثانی [۱۳۲۷] - امروز دستخط ثانوی شاه ، صادر شد . چون ملت دستخط اولی را قبول نکردند ، لذا امروز دستخط دیگر صادر به طبع رسید ومنتهی گردید وصورت آن از این قرار است :

نمبر ۲۱۴

(محل مهر مهر آثار اعلیحضرت محمد علی شاه قاجار خلد الله ملكه)

سواد دستخط

جهاننطاق اعلیحضرت قدر قدرت اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه

از روزی که به اقتضای اراده خداوند متعال ، ولایت عهد دولت ابد آیت ایران مخصوص وجود مسعود همایون ما گردید ، پیوسته مشهورحضور عاطفت ظهور شاهانه بود که رفع مفسد و معایب و دفع پریشانی و ذمائم موجوده این مملکت شش هزار ساله را که به منزله خانه مسکونی و وطن عزیز ماست ، جز به نیروی

امتراج قوای ملیه با قوای دولتی و سلطنتی چاره‌ای نه؛ و به غیر از معاونت چاره جوئی عموم اهل این خاک پاک، در پرستاری و خدمت به این مادره‌هربان، تدبیری نیست. همانا شب و روز، در این مشروع مقدس، پای کوبان بوده، اندیشه‌ها درس و خیالات در نظر داشتیم، تا آنکه خود ملت غیرتمند ایران و فرزندان عزیز ما، بانیات مغنویه ما مساعدت نموده و از پیشگاه مبارک شاهنشاه مرحوم میرور البسه الله تعالی من حلال النور، استدعای سلطنت مشروطه نموده و وسیله بروز مقاصد مکتوبه ما، به پدر تاجدارمان گردیدند. تلکرافات و عرایض کتبیّه ما، به پیشگاه شاهنشاه مرحوم، در تلکرافخانه و غیره، حاضر و بیان همدردی ما را با ملت خودمان به خوبی آشکار می‌نماید. و بعد از اعطای مشروطیت که به طهران آمدیم، در امضای قانون اساسی، چه رنج‌ها برده و چه زحمات متحمل شدیم، تا آنرا به امضای مقدس آن شاهنشاه دل آگاه رساندیم؛ و همینکه نوبت تاجداری و سلطنت، مخصوص شخص خودمان شد، دقیقه‌ای از دقایق، پیشرفت امور مشروطیت را فرو گذار ننموده و تمام قوای خود را صرف عظمت مجلس شورای ملی داشتیم. ولی در از دستی مغرضین و فساد مفسدین، در این اواخر به طوریکه همه کار آگاهان می‌دانند، بکلی خاطر ما را مکدر ساخته و تا حدی مایوس داشت، آن اوضاع ناگوار مجلس را ماحی گرفتاری‌های گوناگون ایران ندیده و محیی این آب و خاک ندانستیم. چندی موافق قانون عموم دول، مجلس را توقیف داشته و در نوزدهم شهر شوال که خواستیم افتتاح فرمائیم، پاره‌ای موانع موجود شد که همه عقلا تصویب می‌نمودند که اگر در آن موقع شروع به انعقاد پارلمان می‌شد، نتیجه جز سفک دماء و اتلاف نفوس نمی‌بخشید. این بود که چندی به تدابیر عملیه، آن موانع را مرتفع داشت، امروز که موقع را مقتضی و مانع را مفقود دیده، بانهایت اشتیاق و میل قلبی به موجب صدور این دستخط مبارک، موافق همان قانون اساسی، بدون ذره‌ای کسر و نقصان، امر به انعقاد پارلمان داده و مقرر فرمودیم که بک عدّه از اشخاص عالم مشروطه خواه که طرف اطمینان دولت و ملت باشند، به مجلس شورای مملکتی ملحق گردیده و نظامنامه انتخابات را عاجلاً حاضر نموده و منشر دارند و به محض اینکه نظامنامه انتخابات انتشار یافت، شروع به انتخاب شده و همینکه دولتک منتخبین حاضر شدند، مجلس شورای ملی در بهارستان، افتتاح خواهد شد.

به تاریخ ۱۸ شهر ربیع الثانی تخاقوری ۱۳۲۷ مطابق ۱۹ برج ثور، در قصر سلطنتی باغ‌شاه، سال سیم سلطنت ما، تحریر شد.

محمد علی شاه قاجار

رئیس مطبوعه مبارکه شاهنشاهی، عبدالله قاجار

روز سه شنبه ۲۰ ربیع الثانی [۱۳۲۷] - امروز وکلای شورای مملکتی و وزراء در عمارت خورشید نشسته ، مشغول مذاکره شدند . تلگرافی به آذربایجان ورشت کردند که دستخط مشروطیت صادر شد . قانون همان قانون اساسی سابق و نظامنامه انتخابات هم ، همان است . الا آنکه دو فصل آن زیاده شده است : اول آنکه انتخاب افرادی باشد نه اسنافی ؛ ثانی در باب تمول منتخب و وکیل ، حدی معین شده است . اگر قبول دارید نماینده خود را چاپاری روانه کنید و الا اطلاع دهید .

بین امام جمعه و صنیع الدوله گفتگو شد . امام جمعه گفت دستخط شاه را امضاء نمائید . صنیع الدوله گفت : اولاً باید به ولایت اطلاع داد ، شاید ما را قبول نکردند ، اگر ما را انتخاب کردند ، آن وقت نشسته ، مذاکره می کنیم والا وکیل خود را انتخاب خواهند کرد ؛ وثانیاً اگر مشروطه دادند ، اعلان آزادی دهند ، تا ماها در یک مسجد و محلی جمع شویم ، با عموم مردم مذاکره نمائیم . امام جمعه گفت اگر انتخابات را تغییر ندهید ، همان وضع سابق و همان هرج و مرج پدید خواهد شد .

صنیع الدوله گفت هرج و مرج سابق را شما باعث شدید . در این اثناء ، مؤید الدوله جاکم طهران گفت جناب آقا بس است ، حضرات رشتی رسیدند و ماها را می کشند ، بگذارید کار بخوبی بگذرد .

امروز شش فصل سفراء را حضرات همایونی قبول فرموده و شش فصل از این قرار است : دادن مشروطه - عفو مقصرین پلیتیکی - عفو عمومی - تغییر کابینه و عدم دخالت امیر بهادر و مشیر السلطنه - دادن روس صد هزار لیره به دولت ایران - دولت انگلیس می تواند صد هزار لیره به قرض ایران بدهد به تصویب مجلس .

روز چهارشنبه ۲۱ ع ۲ - [۱۳۲۷] - امروز شبنامه شکوفه عصر شماره دویم را دیدیم که نسخه آن را تحصیل نموده و صورت آن باید درج شود . جناب آقا یحیی مذکور داشت : در چند شب قبل که اردوی نظامی رادر باغ شاه حاضر کرده بودند ، خبر رسید ، مجاهدین جمعی از قزاقها را کشته اند ، و چند نفری فرار آورده اند . در دو ساعت از شب گذشته ، فرمانفرما که وزیر داخله است ، بنای فرار را گذارده ، به او می گویند شما باید در این جا باشید و شاه را حفظ کنید . فرمانفرما می گوید من باید عیال خود را حفظ کنم و فرار می کند ، دم دروازه می رسد ، دروازه را بسته می بیند ، به اصرار دروازه را باز کرده ، وارد می شود . نوکرهای خود را می گوید ، تفنگها را برداشته ، اطراف خانه را مواظب باشند . امروز دستخط شاه که عفو عمومی بود طبع شده و منتشر گردید صورت آن از این قرار است :

در این موقع که اراده علیه همایون ما به افتتاح پارلمان علاقه فرمود ، به عموم حکام ولایات و ممالک محروسه ایران امر و مقرر می فرمائیم که در هر جای

ایران و خارجه ، متهمین پلٹیکی باشند ، بلااستثناء معفو و آزادند و احدی حق تعرض به آنها نخواهد داشت. و نیز امر و مقرر می فرمائیم تمام اشخاص و متهمین که تبعید شده اند ، در معاودت و عزیمت به هر نقطه مجاز و آزادند ؛ و نیز مقرر می فرمائیم که شرح این دستخط را به داخله و خارجه اعلام دارند. فی ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۷ (محل صحنه اعلی حضرت هایونی) مطبوعه شاهنشاهی .

روز پنجشنبه ۲۲ ع ۲- [۱۳۲۷] امروز متحصنین سفارتخانه ، از سفارت عثمانی بیرون آمدند . یعنی برحسب قول ژادفر سفارت که گفته بود شاه مشروطه راداده است ، دیگر برای چه این جا نشسته اید . لذا بیست نفر نماینده متحصنین ، در آنجا مانده ، مابقی بیرون آمدند .

امروز چهارصد نفر سوار ، از سوارهای نظر [؟] برای حمایت شاه وارد شدند . یعنی برحسب کاغذ نظام السلطنه که آنها را خواسته بودند ، وارد شدند .

امروز و دیروز شنیدیم که بحرالعلوم رشتی و پس بزرگش را در قزوین کشته اند ، و ما شرح کشتن او را با خیانت هائی که در زمان وکالت خود ، در مجلس کرده بود ، پس از تحقیق کیفیت کشتن او ، درج خواهیم نمود . امروز شنیدیم حاج محمد اسمعیل مغازه ، پناه به سفارت برده است . حال او را با خیانت های او ان شاء الله مفصلاً مشروحاً خواهم نوشت .

اوضاع تهران مشوش است . از کرمان کاغذ رسید . در کرمان هم خیلی هرج و مرج است ، نه مشروطه ، نه استبداد ، معلوم نیست چه وضعی است . آقا میرزا ابراهیم خان ، منشی باشی صاحب اختیار گفت : قشون انگلیس وارد بلوچستان شده است . از کرمان تلگرافاً خبر داده اند بلوچها ، ذخیره بم را متصرف شده اند و ولی خان ، حاکم بم را حبس کرده اند . رفت نظام که سابقاً مشروطه خواه و فراراً رفته بود به ارض اقدس ، روانه بم شده است . اگر این مرد مشروطه خواه ، وارد بم شود ، کاری خواهد نمود .

روز جمعه ۲۳ ع ۲- [۱۳۲۷] امروز جناب آقا یحیی را ملاقات نموده ، مذکور ساخت : فرمانفرما تلگراف کرده است برای صمصام ، که « خیال نکنی اعلی حضرت مشروطه رادادند برای اقدامات و حرکات شماها ، بلکه برحسب میل طبع و اقدامات غیورانه اهالی آذربایجان و توسط سفیرین انگلیس و روس مشروطه رادادند ، الخ . جواب رسید : « ممنون و متشکریم ، مقصود اعطاء مجلس و اعاده مشروطه بود . دیگر بهانه هر چه باشد ، ما یاغی نیستیم و خدمتگزاریم » . تلگرافی هم به همین مضمون به سپهدار کرده است ، از طرف سپهدار جواب نیامده است ، لذا فرمانفرما شکایت به انجمن آذربایجان کرده است .

در شهر هم مردم متوحش می باشند . اسباب های خود را می برند به بانک روس و حق الامانة از قرار قیمت ده یک می دهند . از سعدالدوله بعضی بد می گویند ، بعضی تعریف می کنند . شیخ فضل الله و ملا محمد آملی و شیخ حسن دوپشتکی سنگلجی عازم شده اند بر رفتن

به یکی از سفارت‌ها. حاج محمد اسمعیل مغازه هم پناه برده است به سفارت. خائنین اطراف شاه، باز مشغول فتنه و فساد می‌باشند. امروز تلگرافی از طرف سفیرین روس و انگلیس به اصفهان مخابره شده که در ورقه علیحده، به علامت نمره ۳ درج شده است.

نمره ۳

خلاصه مضمون ابلاغ رسمی از طرف سفیرین به اصفهان

چون انتظام مملکت، قرین کمال اختلال و قوام آن مشرف به زوال، و امنیت عمومی قریب اضمحلال شده بود و سوای اعاده مشروطیت برای اعاده نظم و امنیت، چاره دیگر تصور نمی‌شد؛ لهذا دولتین علیتین، به سفراء مقیمین دربار، تعلیمات مخصوصه دادند که رسماً از حضور اعلیحضرت پادشاه ایران، استدعای اجازه افتتاح پارلمان و اعاده مشروطیت معطله، بطوریکه سابق بود بنمایند. و اعلیحضرت محمدعلی شاه هم استدعای آنها را پذیرفته و فرمان همایونی رسماً شرف صدوریافت، و به تمام دول عالم رسماً ابلاغ و دولت علیه ایران به مشروطیت معرفی شد، بدون آنکه تصرفی در قوانین اساسی سابق بشود، پارلمان به زودی منعقد خواهد شد. و در ضمن مستدعیات سفیرین، عفو عمومی بود که هر کس برای استرداد مشروطیت، هر قسم اقدامی کرده ولو با اسلحه و قوه نظامی، تمام راعفو فرمایند و احدی را در تحت مسئولیت نیاورند، بنابراین تمام متهمین یا مقصرین پلتیککی آزاد هستند که به اوطان خود مراجعت نمایند و به اشغال سابقه خود اشتغال یابند الخ.

روز شنبه ۲۴ ع - ۱۳۲۷ - امروز وزراء، در تلگرافخانه بودند. در تبریز یک گلوله به دست یکی از سالدات‌های روس خورده است و یک گلوله هم به دیوار قونسلخانه خورده است؛ لذا رئیس سالدات‌ها به انجمن ایالتی، [و] هشت ساعت مهلت داده است که یا شرایط ذیل را اجراء کنید و یا مستعد جنگ باشید:

اولاً - دوازده هزار تومان برای اینکه گلوله به دست سالدات خورده است باید بدهید.
ثانیاً - مقصراً که تفنگ زده است و معلوم نیست کی است، پیدا کنید و به دست ما بدهید.

ثالثاً - آنکه از جایی که گلوله رسیده است تا جاییکه گلوله از تفنگ خارج شده است، سنگرهای [را] که در بین است خراب کنید. از تفنگ و گلوله، می‌توان مسافت را معین کرد.
رابعاً - آنکه بعد از این احدی در اطراف قونسلخانه با اسلحه راه نرود.

مشهور است شاه خیال دارد پناه به سفارتخانه آلمان ببرد.

امروز نمره ۳ شکوفه عصر منتشر شد و یک نمره، درب خانه بنده نگارنده انداخته‌اند و چون نمرات آن را جمع می‌کنم، در تاریخ نوشتن، باید نوشته شود.

امروز شاه نقل مکان به سلطنت آباد کرد .

روز یکشنبه ۲۵ ع ۱۳۲۷] - امروز جزحرف سپهدار، در شهر، دیگر چیزی نیست . وزراء ، امروز در تلگرافخانه با آذربایجان گفتگو می کنند . تبریزی ها خواهش کردند مخبر السلطنه را بر آنها حاکم قرار دهند . عین الدوله هم در بین راه است که می آید . دولتی ها سخت ترسیده اند .

طرف عصر را رفتم در منزل حاج جلال الممالک . مصباح الشریعة ، آدم شیخ فضل الله آمد آنجا و اظهار دوستی و مشروطه خواهی نمود و گفت : من از عقیده شیخ تبریزی دارم ، فقط برای گذران یومیۀ خود ، با او بودم و خدا لعنت کند حاج علی اکبر و شمس العلماء را که آنها شیخ را به این راه واداشته و کردند آنچه کردند ، تا مملکت اسلام و مسلمین را ضعیف کردند .

روز دوشنبه ۲۶ ع ۱۳۲۷] - امروز تلگرافی از طرف جناب حاج میرزا محمد رضا مجتهد کرمان رسید ، چون کاشف از انقلاب بلوچستان است ، لذا عین تلگراف را نقل می کنم و هذا صورته :

از کرمان به طهران ، نمره ۱۱۳ به تاریخ ۲۵ شهر ربیع الثانی

جناب ناظم الاسلام زید فضلہ ، چندین تلگراف از طرف داعی و عموم ملت، نسبت به ابقاء صاحب اختیار به صدارت سابقه و تلگراف مخصوصی دیروز به وزارت جلیله داخله شده ، اینک هم به جناب عالی که خیر عامه را طالبید زحمت می دهیم : اولاً تبریکات صمیمانه داعی را به حضرت مستطاب اجل آقای رئیس الوزراء دامت شوکتہ تقدیم ، وثانیاً ابقاء صاحب اختیار را فوری استدعا نمائید که مشغول اصلاحات لازمه مملکت و جلوگیری از اشکالات و محظورات شوند و الا کرمان هم مثل بلوچستان دچار انقلاب خواهد شد . من الاحقر محمد رضا ابن ابی جعفر .

(محل مهر تلگرافخانه)

سابقاً فرمانفرما عقیده اش این بود که حکومت کرمان با خود صاحب اختیار باشد ، چه آمدن او به طهران و رفتن نظام السلطنه به کرمان ، هر دو مشکل است و باخرایی راه و زیادی سارقین ، خیلی سخت است ؛ ولی چون نظام، در خلوت او را دیده، لذا مایل به نظام شد . امروز تلگرافی [راکه] از تبریز به اصفهان مخابره شده است، به دست آورده و صورت آن از این قرار است :

نمره ۵ - تلگراف از تبریز به اصفهان

حضور آقایان حجج اسلام دام ظلهم ، و آقای صمصام السلطنه، وانجمن ولایتی دام بقائهم . تلگراف مفصل مبارک ، مشتمل بر عین تلگراف غیورانه و حکیمانه عالی به طهران زیارت گردید ، و برای خرابی متوالی سیم ایرانی و کمپانی ، امکان

جواب نشد. اینک عرضه می‌دارد که آنچه در تلگراف جامع نکات و دقائق جناب عالی، به اولیای دولت ذکر شده بود، تماماً عین و مطابق مخابرات ما به طهران، با تمام روح مقاصد این ملت و مطالبات این جانبان است، حتی توافق عبارات و اتحاد مضامین عرایض ما و شما به دربار همایون، دلیل تامی بر اتفاق خصوصی و تعارف ارواح و وحدت جنسی و شخصی و خمیره و آب و گل است. ما در این مذاکرات چند روزه، اساس مقاصد ملت را در ده ماده، مختصراً به عرض اولیای دولت رسانده و شکر خدا را که اغلب در پیشگاه اقدس همایونی مقبول افتاده؛ و دیروز جوایی از طهران، منضمّن خبر حصول اساس مطالب رسید که پس از تعداد مواد مطالب خود، به درج آن جواب، خاطر عالی را از حصول موافقت اخیر و امید به اتمام احسان مسبوق می‌نمائیم. مطالب ده گانه ما از این قرار است:

اولاً - اعاده مشروطیت تعطیل شده ایران و اجرای همان قوانین اساسی مشتمل بر (۵۸) اصل.

ثانیاً - عجله در افتتاح کعبه آمال ملت ایران، یعنی دارالشورای کبری مقدس ملی؛ و بلکه تا چهاردهم جمادی الثانیه رسماً افتتاح شود؛ و وسیله امنیت ملت و آسایش مملکت را زودتر تشکیل نمایند.

ثالثاً - انتخابات آزاد بوده و قواعد آن با اصول حریت منافی نباشد. رابعاً - آزادی عموم محبوسین و منقبین و عودت ایشان به اوطان. خامساً - پیدا کردن یک واسطه ضامن و وسیله اطمینان، برای امنیت خاطر طرفین از استحکام ابدی سلطنت و حقوق ملت؛ و عدم امکان احتمال نظایر این جنگ خانگی وطن بر باد ده.

سادساً - تشکیل یک دولت آزادی طلب، یعنی هیئت وزراء؛ و تعیین مأمورین لایق دولت خواه و شاه پرست حریت دوست وطن، بر کارها و حکومت ولایات مهمه، که عمده اسباب این همه بلیات و اختلافات، همان نبودن مأمورین اجرای صحیح و توسط خائنین دولت و ملت در بین باشد.

سابعاً - متارکه فوری جنگ و خونریزی و قتل و غارت در همه نقاط. ثامناً - سعی فوری کلی در انجام مقاصد و مطالبات دول خارجه در تهران، برای رفع بهانه، و قطع عضو ایشان؛ و جهد وافر در استعاده قشون روسی هر چه زودتر.

تاسماً - اعلان مشروطیت تامه، رسماً به دول خارجه و عموم ملت ایران. عاشراً - استرضای خاطر مبارک حضرات آیات الله مقلدین شیعه نجف، که قلب مبارکشان از این ناملايمات مجروح شده و اسباب انزجار خاطر مقدس

حضرت ولی عصر ارواحنا فداء که منشأ این بلیات از آنجا است .

این است خلاصه مستدعیات ملت ، از خاکپای پدر تاجدار خود ، که امروز امیدواری به حصول کامل بعضی از آنها ، و قرب حصول برخی دیگر دارند ، که محض مزید اطلاع و استحضار آقایان عظام درج می شود .

[تلغراف دیگر]

طهران به تبریز ، خدمت جنابان مستطابان آقایان حاضرین تلگرافخانه دامت توفیقاتهم . تلگراف مفصل زیارت و الحق بر ملالت خاطر افسرده این خادمان وطن ، که از ملاحظه اوضاع دور و نزدیک داریم و خون دل را به بیچارگی می خوریم افزود . بدون تطویل کلام که تخیلیت مرام است ، فرمایشات سابقه و لاحق جنابان عالی را درشش ماده خلاصه کرده ، به طور صریح و بدون شاخ و برگ به عرض خاکپای اقدس شاهنشاهی خداالله ملکه و سلطان رسانده ، علاوه بر اطلاعات صحیح که از حسن نیت ملوکانه و خلوص رأفت و مرحمت خسروانه ، درباره این مملکت و ملت داشتیم ، بار دیگر از مراتب اشفاق باطنی و مراحم صمیمی همایونی ، استمداد همت نموده ، به جواب مواد ششگانه مصدع می شویم :

اولاً خودتان بهتر می دانید که با تعطیل موقتی مجلس ، اصول مشروطیت مملکت تغییر نمی یابد ، لهذا قانون اساسی در روی همان یکصد و پنجاه و هشت ماده برقرار است .

ثانیاً نظامنامه انتخابات را که در روی انتخاب طبقاتی که ترتیب غلطی است مرتب بود ، به اساس انتخاب عمومی که معمول به عموم ملل متمدنه است ، تغییر داده ، کمیسیون مرکب از اشخاص این شهر ، مشغول ترتیب هستند . اشخاص کمیسیون از قبیل : جنابان علاء السلطنه ، علاء الملک ، سعدالدوله ، مشیرالدوله ، مؤتمن الملک ، مهندس الممالک ، حاج سید نصرالله ، حشمت الدوله ، ساعدالوزاره ، صنیع الدوله ، ما دو نفر را هم داخل اشخاص مطلع کرده اند . غرض آنست که در دستخط اقدس قید شده است ، انتهای مدتی است که از آن تاریخ نباید عدول شود . نظامنامه انتخابات ، دو سه روزه منتشر شده ، همین که به ولایات رسید ، باید مشغول انتخابات شوند و بعد از آنکه دو نلک نمایندگان در طهران حاضر شدند ، مجلس شورای ملی به مبارکی افتتاح خواهد شد .

ثالثاً عفو عمومی معنأ به عمل آمده ، آقای حجة الاسلام آقا سیدعبدالله دامت برکاته ، چند روز است مطلق العنان ، عازم عتبات شده اند ؛ جناب ناصر الملک و سایرین هم احضار شده اند ؛ اعلان رسمی عمومی هم ، تا دو روز منتشر

و به موقع اجرا خواهد شد .

رابعاً در خصوص ترك مخاصمه و آزادی مکاتبات ، به توسط حاضرین تلگرافخانه ، به شاهزاده عین الدوله ، دستخط تلگرافی صادر شد که به رؤسای قشون قدغن اکید فرمایند که بکلی حرکات سابقه را موقوف دارند .

خامساً کابینه وزراء امروز تشکیل می یابد و به خلاف آنچه شهرت در آنجا داده اند ، پارتی خیرخواهان مغلوب نشده اند .

سادساً در استحصال اصل مقصود که تبعید مخاطرات و استخلاص وطن عزیز است ، جناب سعدالدوله وزیر امور خارجه ، به موجب نیات همایون و مقتضیات کار ، مشغول اقدامات هستند و امید است به همراهی و معاونت عمومی و به توجهات اولیای دین و از میان حقیقت اسلام ، توفیق رفیق کارکنان دولت باشد .

درین موقع به اقتضای حیثیات وطن پرستانه و از شدت تألم و تأثری که از مشاهده اوضاع حالیه داریم ، ناگزیریم از عرض این فقره که بعد از آنکه علاج واحد دردهای بی درمان ما مسلمانان ، در اتحاد بین دولت و ملت است ، باید در استحکام این اتحاد و اتفاق از طرفین کوشیده شود ، تا جای انکشت غیر و محل رسوخ افکار مضره باقی نماند . پس انجمن محترم ایالتی آذربایجان و رؤسای ملت آن چشم [و] چراغ که الله الحمد قبول عامه دارند ، باید در تشیید مبانی اساس اتحاد ، بیشتر از دیگران سعی فرمایند و قسمی عمل کنند که خلوص جان نثاری و فداکاری رعایا ، نسبت به پادشاه معظم ، هر روز زیادتیر از روز سابق ، مراحم شاهنشاهانه را درباره ملت جالب و جاذب باشد ؛ بطوریکه تعاطی مهرپدر و فرزندی و تجاذب و اتفاق حقیقی که الله الحمد در میان مقام منیع سلطنت و کافه رعیت ، تجدید و تأکید شد ، دیگران را موضوع عبرت گردد و بدانند که این دودست قوی پنجه دولت و ملت ، دامن غنم مادر وطن را سخت چسبیده اند و تا رمقی باقی است از دست نخواهند داد . درست تصور نمائیم ، خدای نخواستہ اصل موضوع در معرض خطرات عظیمه است و ما ، در متفرعات امرار وقت و فرصت می کنیم ؛ مثلاً جنابان عالی به حق شکایت دارید که سرکردگان قشون در اطراف ، دست از قتل و غارت نکشیده اند ، و حال آنکه به ملاحظه عادات وحشیانه رؤسای قشون که بعد از هر اجتماع و احتشاد ، اسباب زحمت و مضرت شده اند ، لازم بود که شاهزاده عین الدوله ، هرچه زودتر در مقرر حکمرانی متمکن و با شور و موافقت انجمن ایالتی ، در رفع این قسم بی نظمی ها ، بدون فوت